گزارش یک
مهسا گربندی

اعتراض‌ها به نتایج آزمون سراسری ۱۴۰۴ بالا گرفت

سهم آموزش رایگان از رتبه‌های برتر کنکور صفر درصد!

مصوبه کنکوری شورای عالی انقلاب فرهنگی و عدالت آموزشی باز هم شکست خورد

با انتشار نتایج کنکور، فضای مجازی و رسانه‌ها پر از تبریک و افتخار شد، نام‌هایی که با هیجان دست‌به‌دست می‌چرخیدند و به عنوان نمادی از موفقیت یاد می‌شدند. در میان این هیاهو اما، چیزی گم شده‌بود؛ صدایی که نبود، اما باید شنیده می‌شد، صدای دانش‌آموزان مدارس دولتی.

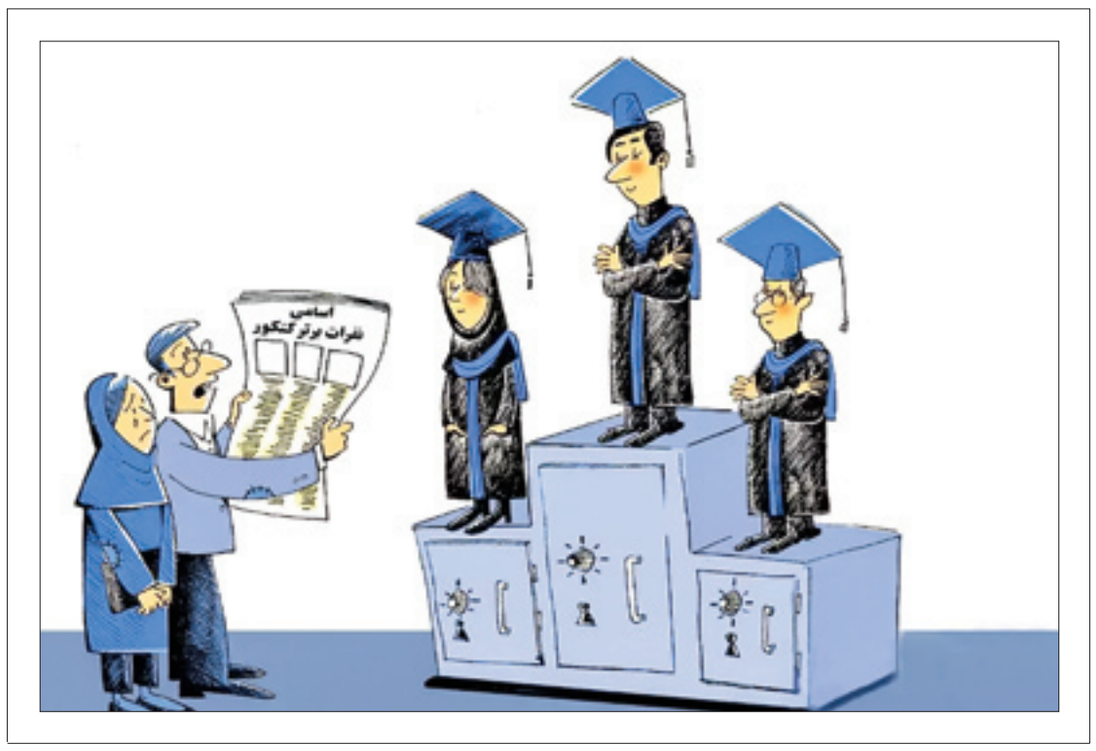

در فهرست برترین‌ها، جای کسانی که در کلاس‌های شلوغ و با منابع محدود درس خوانده بودند، خالی بود. کسانی که با هزاران چالش جنگیدند، اما به قاب افتخار راه نیافتند و باز هم موفقیت، به همان مدارسی رسید که سال‌هاست در مسیرهای هموار حرکت می‌کنند، یعنی سمپاد، نمونه‌دولتی و البته غیردولتی‌ها.

قرار بود تأثیر قطعی نمرات نهایی، ورق را برگرداند و عدالت آموزشی را به واقعیت تبدیل کند، اما آنچه رقم خورد، ادامه همان مسیر قدیمی بود؛ مسیر رقابتی نابرابر، با خروجی‌هایی که از پیش می‌شد حدس زد و در این مسیر، دانش‌آموزانی که یک سال زیر فشار سنگین امتحانات نهایی و کنکور خرد شدند، حالا مانده‌اند با کارنامه‌ای که نه بازتاب تلاش‌شان است، نه نشانی از عدالت دارد.

مدارس خاص در صدر، دولتی‌ها غایب

قرار بود امسال، نقطه‌عطفی در مسیر کنکور باشد؛ سالی که با اجرای تأثیر سوابق تحصیلی، نوید بازگشت به برابری فرصت‌ها را می‌داد. اینکه مدارس دولتی، میزبان میلیون‌ها دانش‌آموز از طبقات متوسط و محروم جامعه، فرصتی واقعی برای رقابت برابر با مدارس خاص و غیردولتی پیدا کنند، اما نتایج کنکور تمام این امیدها را به ناامیدی تبدیل کرد.

بررسی فهرست رتبه‌های برتر در سه گروه اصلی (ریاضی، تجربی، انسانی) نشان می‌دهد که مدارس دولتی حتی یک نماینده هم در میان برترین‌ها ندارند. تمام اسامی اعلام شده یا متعلق به مدارس سمپاد (تیزهوشان) هستند، یا از دل مدارس غیردولتی و نمونه‌دولتی بیرون آمده‌اند. به‌عبارت دیگر، سهم مدارس دولتی در رتبه‌های برتر، صفر درصد است!

نه یک نفر، نه حتی یک اسم از میان انبوه دانش‌آموزانی که در مدارس دولتی درس خوانده‌اند، نتوانسته به جمع برترین‌های کنکور ۱۴۰۴ برسد و این یعنی، وعده عدالت آموزشی، باز هم در حد شعار باقی مانده است.

افت سهم تهران نتیجه بحران

آمارهای منتشرشده از رتبه‌های برتر کنکور ۱۴۰۴ نشان می‌دهد که دانش‌آموزان تهرانی نسبت به سال گذشته، حضور کمرنگ‌تری در صدر جدول داشته‌اند. در سال ۱۴۰۳، حدود ۲۷/۵ درصد از برترین‌ها از استان تهران بودند، اما امسال این سهم به ۲۵ درصد رسیده‌است؛ کاهشی حدود ۲/۵ درصدی که در نگاه اول شاید به معنای توزیع عادلانه‌تر فرصت‌ها در سطح کشور تلقی شود، اما نگاه دقیق‌تر به این اعداد، تصویری متفاوت ارائه می‌دهد. کارشناسان معتقدند افت سهم تهران، برخلاف تصور اولیه، نه نتیجه اصلاحات عدالت‌محور در سیاست‌های آموزشی، بلکه ناشی از عوامل بیرونی و شرایط بحرانی کشور بوده‌است.

خرداد ماه و درست در بحبوحه آمادگی برای امتحانات نهایی و مرحله دوم کنکور، کشور درگیر تجاوز وحشیانه رژیم صهیونیستی و جنگ ۱۲ روزه شد. تهران به‌عنوان پایتخت و یکی از مراکز اصلی این تنش‌ها، شاهد اضطراب فراگیر بود، شرایطی که مستقیماً بر تمرکز، آرامش روانی و عملکرد تحصیلی داوطلبان تهرانی تأثیر گذاشت.

بنابراین کاهش سهم تهران در میان رتبه‌های برتر را نمی‌توان نشانه‌ای از موفقیت سیاست‌های آموزشی یا بهبود عدالت جغرافیایی دانست. آنچه رقم خورده، بیش از آنکه نتیجه یک طراحی آگاهانه باشد، محصول اضطراب، بحران و بی‌ثباتی است؛ واقعیتی که باید در تحلیل روندها و نتایج آموزشی، با دقت و حساسیت بیشتری به آن نگاه کرد.

رنج بی‌نتیجه داوطلبان

«امتحانات نهایی را دادیم و استرس کشیدیم، اما عدالتی ندیدیم» این جمله، روایت کوتاه اما گویای هزاران داوطلب کنکوری است که در سال تحصیلی گذشته، تحت شدیدترین فشارهای روانی، آموزشی و رقابتی قرار گرفتند.

قرار بود کنکور دو مرحله‌ای و تأثیر قطعی سوابق تحصیلی، مسیر رقابت را منصفانه‌تر کند. قرار بود دیگر تنها یک آزمون، تعیین‌کننده آینده نباشد، اما در عمل، این اصلاحات نه‌تنها به کاهش فشار کمک نکرد، بلکه آن را دو برابر کرد. و بدتر آنکه نتیجه‌ای که باید را نداشت!

امتحانات نهایی با سؤالاتی به مراتب سخت‌تر و گاه تصحیح‌های سلیقه‌ای، به کابوسی برای دانش‌آموزان تبدیل شد و مرحله دوم، یعنی آزمون تستی کنکور، همچنان قدرت تعیین‌کننده خود را حفظ کرد. نتیجه چه شد؟ داوطلبانی قشر ضعیف و متوسط جامعه که از هیچ‌کدام از این دو مسیر، سهمی از عدالت نبردند.

یکی از داوطلبان در این رابطه می‌گوید: «امتحان نهایی، انگار برای المپیادی‌ها طراحی شده بود. کنکور هم که مثل همیشه پر از تبعیض. آخرش هم هیچ نتیجه‌ای نگرفتیم.»

گلایه‌هایی از این جنس، در شبکه‌های اجتماعی و در رسانه‌ها و حتی در جلسات مشاوره با کارشناسان به وفور دیده می‌شود. خستگی روانی، ناامیدی و احساس بی‌نتیجگی، امسال در میان داوطلبان، بیش از هر زمان دیگری مشهود است.

عدالت آموزشی فقط در شعار

با مرور نتایج دو سال اخیر کنکور، یک واقعیت تلخ بیش از هر چیز خودنمایی می‌کند، اینکه نظام آموزشی کشور، همچنان در تسخیر مدارس خاص است. مدارسی که تنها بخش کوچکی از دانش‌آموزان کشور را در بر می‌گیرند، اما در رقابت سرنوشت‌ساز کنکور، میدان‌دار مطلق هستند.

در مقابل، مدارس دولتی که گسترده‌ترین پوشش دانش‌آموزی در کشور را دارند، تقریباً از این رقابت حذف شده‌اند. این در حالی است که با اجرای سیاست‌هایی مانند تأثیر قطعی سوابق تحصیلی، وعده باز شدن فضا برای عدالت آموزشی داده شده‌بود، اما آنچه در عمل اتفاق افتاده، نه‌تنها کوچک‌ترین تغییر مثبتی در سهم مدارس دولتی ایجاد نکرده، بلکه عملاً شرایط را برای آنها سخت‌تر هم کرده‌است.

مدرسه متفاوت، نتیجه متفاوت

در میان رتبه‌های برتر کنکور امسال، نام امیرمهدی خزایی به چشم می‌خورد؛ کسی که موفق شد رتبه چهار رشته علوم تجربی را کسب کند و قصد دارد در رشته پزشکی ادامه تحصیل دهد.

او در گفت‌وگو با یکی از رسانه‌ها تأکید کرده که در مسیر موفقیت خود، به کلاس‌های کنکور بیرونی نرفته و اتکای اصلی‌اش بر برنامه‌ریزی مدرسه و همراهی معلمان بوده‌است: «مدرسه برای ما شبیه یک کلاس کنکور بود. معلمان توانمند و با تجربه‌ای داشتیم که به‌طور مستمر آزمون برگزار می‌کردند. حتی بخش زیادی از مطالعه‌هایم را در فضای مدرسه و همراه دوستانم انجام می‌دادم و هر مشکلی داشتیم با کمک همدیگر حل می‌کردیم. فضای مثبت و همراهی معاونان و معلمان در موفقیتم نقش بسیار زیادی داشت.» این رتبه برتر همچنین به نقش حیاتی کیفیت مدرسه در مسیر موفقیت تحصیلی اشاره کرده‌است: «اگر در یک مدرسه دولتی عادی تحصیل می‌کردم، امکان نداشت بتوانم چنین رتبه‌ای کسب کنم. محیط آموزشی و توان معلمان در شکوفایی استعدادها بسیار تعیین‌کننده است. متأسفانه در بسیاری از مدارس عادی، فضای ناامیدی و اخبار منفی زیاد است که کار را برای موفقیت سخت‌تر می‌کند.»

خزایی نقش کتاب‌های کمک‌آموزشی و آزمون‌های آزمایشی را در آماده‌سازی کنکوری‌ها مهم دانسته و گفته: «توضیحات کتاب‌های درسی کافی نیست. کتاب‌های کمک‌آموزشی و آزمون‌ها باعث می‌شود روش تست‌زنی و مدیریت جلسه کنکور را بهتر یاد بگیریم.»

هشدارهایی که جدی گرفته نشد

زنگ خطر عدالت آموزشی مدت‌هاست به صدا درآمده‌است، اما هر بار، یا نادیده گرفته شده یا با اصلاحاتی سطحی پاسخ داده‌اند. نتیجه؟ فاصله میان طبقات اجتماعی در دسترسی به آموزش با کیفیت، هر روز بیشتر از دیروز شده‌است و مدارس دولتی، که باید سکوی پرتاب برای همه دانش‌آموزان باشند، اکنون برای بسیاری به جایگاه جا ماندن تبدیل شده‌اند.

از حاشیه کلانشهرها تا مناطق روستایی، این تصویر، واقعیت غالب آموزش عمومی در ایران است.

در مقابل، مدارس خاص؛ اعم از سمپاد، نمونه‌دولتی و غیردولتی، در شرایطی به مراتب بهتر، با معلمان متخصص، کلاس‌های خلوت‌تر، آزمون‌های منظم، مشاوره فردی و منابع تقویتی متنوع فعالیت می‌کنند.

در چنین شرایطی، حتی اگر روش ارزیابی تغییر کند؛ از یک آزمون به دو مرحله، از کنکور صرف به سوابق تحصیلی، وقتی زیرساخت آموزشی نابرابر است، نتیجه هم نابرابر خواهد بود. عدالت آموزشی، نه از مسیر تغییر شیوه آزمون، بلکه از مسیر اصلاح بنیاد آموزش آغاز می‌شود.

پرواضح است تا زمانی که کیفیت آموزش در تمام نقاط کشور عادلانه و استاندارد نشود، هیچ تغییری در شیوه سنجش نمی‌تواند نابرابری را جبران کند.

قمار ناعادلانه سرنوشت

یکی از جدی‌ترین انتقادها به کنکور ۱۴۰۴، به نحوه تصحیح و ارزیابی امتحانات نهایی بازمی‌گردد؛ برگه‌هایی که با تأثیر قطعی بر نتیجه نهایی، به یکی از سرنوشت‌سازترین مؤلفه‌های مسیر داوطلبان تبدیل شده‌است.

اما سؤال اساسی اینجاست؛ آیا این برگه‌ها با دقت، انصاف و شفافیت کافی تصحیح شده‌اند؟

بسیاری از داوطلبان کنکوری در فضای مجازی، از تصحیح ناعادلانه، سلیقه‌ای و غیرشفاف برگه‌ها گلایه دارند. آنها می‌گویند گاهی حتی نیم نمره، آینده تحصیلی‌شان را تغییر داده‌است.

یکی از شرکت‌کنندگان در کنکور در این رابطه می‌گوید: «اینکه آینده‌ات به دست کسی بیفتد که شاید حوصله نداشته باشد یا نگاهت به سؤال را نفهمیده باشد، عین قمار کردن می‌ماند.»

نفر دیگری نیز گلایه‌اش را اینطور مطرح می‌کند: «وقتی تصحیح برگه‌های امتحانات نهایی با خطای انسانی و سلیقه افراد انجام شده‌است، چطور می‌توان به عادلانه بودن این نتایج اعتماد کرد؟!»

فرآیند اعتراض به نمرات نیز، به‌زعم بسیاری، نه شفاف بوده، نه سریع و نه نتیجه‌بخش. در حالی که کنکور سال‌ها با دقت و ترازبندی میلی‌متری شناخته می‌شد، حالا با دخالت نمراتی که با استانداردهای دقیق ارزیابی نمی‌شوند، اساساً اعتبار سنجش زیر سؤال رفته‌است.

اصلاح باید از ریشه باشد

کنکور ۱۴۰۴ شاید پشت سر گذاشته شده‌باشد، اما زخمی که بر روان و دل هزاران داوطلب باقی گذاشت، هنوز تازه و عمیق است. زخمی از ناامیدی، بی‌اعتمادی و حس درگیری با سیستمی که هر بار چهره‌ای نو به خود می‌گیرد، اما ماهیت تبعیض‌آمیزش تغییر نمی‌کند.

در این نظام آموزشی، حتی موفقیت هم گاهی بوی نابرابری می‌دهد. وعده عدالت داده می‌شود، اما هر روز فاصله ما با آن بیشتر می‌شود!

دانش‌آموزانی که باید با انگیزه، خلاقیت و امید به آینده قدم بگذارند، حالا خسته‌اند؛ از دویدن در مسیری که مقصدش برای همه یکسان نیست و شاید هیچ‌وقت هم نباشد.

بدون شک آموزش اگر می‌خواهد نجات‌بخش باشد، باید از ریشه اصلاح شود؛ از مدرسه‌هایی که هنوز در کمبود امکانات دست و پا می‌زنند، از معلمانی که با بی‌ثباتی شغلی و حقوق ناکافی می‌جنگند و از دانش‌آموزانی که از همان روز اول، سرنوشت‌شان به جای تلاش، با محل زندگی و جایگاه اجتماعی‌شان رقم می‌خورد.

تا زمانی که عدالت آموزشی فقط به تغییر فرمول‌ها و دستورالعمل‌ها خلاصه شود، نه امتحان نهایی راهگشا خواهد بود و نه کنکور منصفانه‌تر و نسل‌های آینده، یکی پس از دیگری، در گردابی از بی‌ثباتی و تبعیض، آینده‌شان را گم خواهند کرد.

خبر کوتاه

- معاون بهداشت وزارت بهداشت با بیان اینکه ۴۰ درصد آزمایشاتی که برای مردم نوشته می‌شود اضافه و غیرضروری است، گفت: این موضوع باعث تحمیل هزینه‌های غیرضروری به مردم می‌شود.
- اجرای پایلوت مشترک معاونت علمی و فناوری رئیس‌جمهور با یک شرکت دانش‌بنیان در ۵۰ نانوایی منطقه ۱۰ تهران با به‌کارگیری فناوری آنزیمی، منجر به کاهش ۲۵درصدی ضایعات نان و افزایش ۶ درصدی تولید شد.
- رئیس سازمان بهزیستی کشور گفت: ۱۸ سالگی سن رها کردن بچه‌ها از مراکز بهزیستی نیست و تازه زمانی است که باید بیشتر مراقب این جوانان بود، مراکز ما نباید آنها را تنها بگذارند.
- سرپرست اداره کل انتقال خون استان تهران از شهروندان تهرانی درخواست کرد که نسبت به اهدای خون اقدام کنند.
- معاون امور جوانان وزارت ورزش و جوانان از رشد ۳۲درصدی پرداخت وام ازدواج خبر داد و گفت: ۶۵۰ هزار نفر همچنان در صف هستند.
- رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش در خصوص ورود زبان‌های خارجه غیرانگلیسی به مدارس گفت: آموزش و پرورش تاکنون در این خصوص موفق نبوده‌است؛ این عدم موفقیت هم دلایل مختلفی دارد. هنوز در دانشگاه‌ها نتوانسته‌ایم تنوع زبان‌های خارجی را تثبیت کنیم، زیرا فرهنگ عمومی دانشگاهی ما هنوز این موضوع را نپذیرفته‌است.

از شهر
مهسا گربندی

دیوارنگاره امید

نه تبلیغ است، نه تزئین؛ این دیوار چیزی برای گفتن دارد. دیوارنگاره جدید میدان جهاد، از آن دسته آثاری به حساب می‌آید که نمی‌شود بی‌تفاوت از کنارش گذشت. تصویری بزرگ از چند نوجوان که غرق در مدارها و کهکشان‌ها شده‌اند. انگار نه به جایی دور، بلکه به آینده‌ای نزدیک می‌نگرند.

در نگاه اول، شاید این دیوارنگاره، فقط یک طراحی شهری به نظر برسد، اما کافی است چند ثانیه بیشتر به آن نگاه کنیم تا بفهمیم صرفاً یک نقش روی دیوار نیست، بلکه حامل معناست. نه مرزی کشیده و نه چیزی را محدود کرده؛ این دیوار، رو به آینده‌ای روشن باز شده‌است. در واقع این طرح، روایتی از نسلی آرام و بی‌ادعاست؛ نسلی که در دل همین کوچه‌ها و مدرسه‌ها، در سکوت کتابخانه‌ها و با وجود تمام کمبودها و کاستی‌ها و پشت در کلاس‌هایی نه‌چندان مجهز، آرام‌آرام مسیر خود را ساخته‌اند و این‌بار هم، برای دومین سال پیاپی، نام ایران را در صدر جدول المپیاد جهانی نجوم و اخترفیزیک نشانده‌اند.

شاید این خبر، در نگاه اول کوتاه یا حتی ساده به‌نظر برسد: «تیم ملی نجوم ایران، طلایی‌ترین تیم جهان شد» اما تأثیر این خبر، فراتر از این حرف‌هاست. پنج نوجوان ایرانی؛ علی نادری، حسین معصومی، هیربد فودازی، ارشیا میرشمسی کاخکی و حسین سلطانی، در مسیری قرار گرفتند که نه ساده بود، نه هموار. مسیرشان پر بوده از رقابت، از اضطراب، از شب‌هایی که تا صبح صرف یاد گرفتن چیزی شده که برای خیلی‌ها مفهومی ندارد.

این دیوارنگاره، قرار نیست آنها را به قهرمانانی اسطوره‌ای بدل کند. کارش دقیقاً چیز دیگری است؛ «یادآوری»، یادآوری اینکه افتخار، همیشه صدادار نیست؛ گاهی در سکوت ساخته می‌شود، در تمرکز و در تکرار. و حالا این پنج نفر ما را با مفهوم دیگری از موفقیت روبه‌رو می‌کنند؛ موفقیتی آهسته و عمیق. آنها که در سکوت تلاش کردند و بدون آنکه بر طبل خودنمایی بکوبند، تمام توانشان را به کار گرفتند و در نهایت موفقیت بزرگی را به دست آوردند.

این تصویر شهری، در دل تمام این شلوغی‌ها، چشم را می‌گیرد، چون چیزی را نشان می‌دهد که معمولاً در دیدرس نیست. نشان می‌دهد که علم، هنوز در این خاک زنده است. و نوجوانان ما، اگر فرصتی ببینند، می‌توانند تا ستاره‌ها بروند و برگردند و آن‌وقت شاید این دیوار، فقط یک نقش نباشد، بلکه بخشی از یک حافظه جمعی شود. حافظه‌ای که به ما یادآوری کند در این روزگار پر از دغدغه، هنوز چیزهایی برای دیدن، برای باور کردن و برای امید بستن وجود دارد.

گاهی لازم است یک تصویر، جای هزار جمله را بگیرد. دیوارنگاره میدان جهاد، دقیقاً همین کار را کرده‌است. نه برای آنکه تنها یک موفقیت علمی را ثبت کند، بلکه برای اینکه نگذارد ما فراموش کنیم در همین خاک، نسلی آرام و پرتلاش در حال شکل‌گیری است؛ نسلی که اگر دیده شود، اگر باور شود، می‌تواند آینده را جور بهتری رقم بزند و همین قاب‌های ساده‌اند که گاهی مسیر نگاه یک نسل را عوض می‌کنند.

در سلک آفتاب

ستون سه‌شنبه‌ها
مهدی مولایی

جشن آغاز ولایت به‌مثابه ابراز هویت شیعی

نهم ربیع‌الاول به عنوان سالروز شهادت امام حسن‌عسکری علیه‌السلام و آغاز امامت و ولایت حضرت ولیعصر علیه‌السلام روزی متفاوت از دیگر روزها در تاریخ شیعه است. بنا به عقیده برخی مورخان در عصر ائمه‌اطهار علیهم‌السلام میان شیعیان و خواص رسم بر این بوده که پس از شهادت یک امام و انتقال میراث امامت، شیعیان با حضور در بیت امام ضمن تسلیت شهادت امام درگذشته، آغاز امامت امام حی را نیز تهنیت می‌گفتند.

نقل منسوب به ابوالادیان خادم امام عسکری نیز به‌عنوان مؤیدی بر این عقیده تاریخی برشمرده می‌شود که درباره حضرت ولیعصر نیز همین رسم جاری است. زمانی که ابوالادیان به عنوان فرستاده امام عسکری برای رساندن چند نامه، از مأموریت خود بازگشت، مشاهده کرد که مردم به اشتباه سراغ جعفر رفته و او را به مرگ برادر تسلیت می‌دهند و به امامت تهنیت می‌گویند. هر چند که مردم در تشخیص مصداق امامت دچار خطا شده‌بودند، اما همین تسلیت و تبریک، نشانه‌ای بر رواج این شیوه در میان شیعیان است. این رسم پس از آن نیز میان شیعیان به قوت خود باقی ماند و شیعیان سالانه در سالروز آغاز امامت حضرت حجت، با برگزاری جشن‌ها و اجتماعات دینی، به بزرگداشت و تجدید بیعت با حضرت می‌پرداختند.

شادی در این روز نه فقط یک احساس شخصی بلکه در طول تاریخ کارکردی اجتماعی و هویتی داشت. وقتی شیعیان در عصرهای فشار و انکار، نهم ربیع را با شادی برگزار می‌کردند، در واقع موجودیت و انسجام تشیع را در دل جامعه اعلان می‌کردند. همان‌گونه که عزاداری‌های محرم در خیابان‌ها و میدان‌ها نماد وفاداری به سیدالشهدا شد، جشن‌های نهم ربیع و نیمه‌شعبان و غدیر هم نشان داد که شیعه تنها مذهبی سوگوار نیست، بلکه ملتی امیدوار و منتظر است. با صفویه، مناسک شیعی صورتی تازه یافت. دولتِ شیعه‌محور، آیین‌های مردمی را از خانه‌ها و پستوها به میدان‌ها کشاند؛ تعزیه و روضه و دسته‌های سینه‌زنی سازمان‌یافته شدند و جشن‌های ولایی در سطح ملی گسترش یافتند. بازارها چراغانی می‌شد، هیئت‌ها به مدیحه‌سرایی می‌پرداختند و محلات با نذری و شادمانی دینی روح تازه‌ای به جامعه می‌بخشیدند. حتی جشن‌هایی نظیر نهم ربیع در دربار و حرمسرای کاخ‌ها برگزار می‌شد. شادی در این روز، نه تفریح صرف، که «بیانیه‌ای جمعی» برای وحدت شیعه و تجدید بیعت با امام غایب تلقی می‌شد. این سنت‌ها در ادوار بعد، به‌ویژه در قاجار و معاصر، در قالب آیین‌های محلی و جشن‌های خانگی تداوم یافت. مردم، پس از هفته‌ها سوگ، گرد هم می‌آمدند تا نشان دهند جامعه منتظر، جامعه‌ای پژمرده و مغموم نیست؛ بلکه با امید و سرور زیست می‌کند. چنین شادی‌هایی در حقیقت «آیین‌های هویت‌ساز» بودند؛ فرصتی برای بازشناسی خود در دل تاریخ و برای تقویت سرمایه اجتماعی شیعیان در جامعه.

فلسفه این جشن‌ها را می‌توان در دو کلیدواژه خلاصه کرد؛ امید و حضور. امید به ظهور مصلح و منجی از اهلبیت که جهان را به عدالت خواهد آراست و حضور اجتماعی مردمی که با برپایی آیین‌های جمعی، همبستگی خود را آشکار می‌سازند و هویت اجتماعی و تاریخی خود را بروز می‌دهند.

شادی مذهبی در این معنا، نه سرگرمی گذرا، که بخشی از پروژه تمدنی تشیع است؛ پروژه‌ای که قرن‌هاست در کوچه‌ها و میدان‌ها و محافل مردمی همچنان زنده نگه داشته شده‌است. امروز پاسداشت روز نهم ربیع به عنوان سالروز آغاز امامت حضرت ولیعصر این قابلیت را دارد که نه‌تنها اختلاف و تفرقه را کمتر کند، بلکه با اجتماع مذاهب اسلامی حول محور مهدویت به تقریب مذاهب و نحله‌ها نیز بینجامد.

با این همه، تحلیل تاریخی نشان می‌دهد که شکل‌گیری و گستردگی این جشن‌ها محلی، متغیر و وابسته به شرایط سیاسی ـ فرهنگی هر دوره بوده‌است؛ از این‌رو بازخوانی معاصر آنها نیازمند بازاندیشی اخلاقی و بین‌فرقه‌ای است تا جشن‌ها بدل به عرصه‌ای برای جدایی و تنش نشوند و به جای آن، ظرفیت‌های همبستگی، همدلی و عمل اجتماعی مبتنی بر عدالت را تقویت کنند. در شرایطی که نیاز به وحدت و همدلی اجتماعی بیش از هر زمانه دیگری در جامعه ایرانی ضروری می‌نماید، توجه به ظرفیت مناسک جمعی دینی می‌تواند به وصول هر چه زودتر به همدلی و همبستگی اجتماعی نیز کمک کند.

محیط‌زیست

پس از ۱۰ سال انقراض یوز دوباره به شرق ایران برگشت

مدیر ملی پروژه حفاظت از یوز پلنگ آسیایی گفت: حدود ۱۰ سال بود که تصور می‌شد یوز در زیستگاه‌های جنوبی منقرض شده‌است، اما یک‌شنبه، دو فرد یوز در این منطقه دیده شدند.

در طول ۲۰ سال گذشته، با وجود تولد حدود ۱۵۰ توله یوز آسیایی، جمعیت این‌گونه نه‌تنها افزایش نیافت، بلکه روندی کاهشی را تجربه کرد. همین موضوع باعث شد بسیاری از کارشناسان محیط‌زیست نسبت به خطر انقراض یوز آسیایی هشدار دهند و این مسئله همواره در صدر اخبار قرار گیرد.

اکنون اما امیدها دوباره زنده شده است، چراکه یک‌شنبه، دو فرد یوز در منطقه‌ی نایبندان طبس در استان خراسان جنوبی مشاهده شدند.

نظام باقری، مدیر پروژه کلی یوز آسیایی در گفت‌وگو با فارس گفت که زیستگاه‌های یوز آسیایی در ایران به سه بخش اصلی تقسیم می‌شوند؛ زیستگاه‌های جنوبی، زیستگاه‌های شمالی و لکه‌ی پارک ملی کویر. حدود ۱۰ سال بود که تصور می‌شد یوز در زیستگاه‌های جنوبی منقرض شده‌است و تنها زیستگاه‌های شمالی، به‌ویژه توران و زیستگاه‌های اقماری آن، جمعیت فعالی دارند.

به گفته نظام باقری، مدیر پروژه ملی یوز آسیایی، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌ها همیشه دو موضوع بوده‌است؛ نخست تعداد یوزها و دوم، مهم‌تر از آن، تنوع ژنتیکی. زیستگاه‌های جنوبی فاصله‌ی زیادی از لکه‌های شمالی دارند و همین امر می‌تواند به معنای وجود یک جمعیت مستقل با ویژگی‌های ژنتیکی متفاوت باشد.

وی افزود: اکنون با مشاهده دوباره یوز در زیستگاه‌های جنوبی، امید تازه‌ای شکل گرفته است، چراکه این کشف نه‌تنها نشان‌دهنده بازگشت یوز به زیستگاه‌های جنوبی است، بلکه می‌تواند منبعی ارزشمند برای تقویت تنوع ژنتیکی یوز آسیایی در ایران باشد.

مدیر پروژه ملی یوز آسیایی، اعلام کرد: دو یوز آسیایی در منطقه نایبندان طبس مشاهده شدند؛ منطقه‌ای که با وسعتی بیش از یک‌میلیون و ۵۰۰ هزار هکتار، بزرگ‌ترین عرصه تحت حفاظت ایران به شمار می‌رود. وی افزود: این منطقه از جنوب با راور کرمان هم‌مرز است؛ محدوده‌ای به وسعت یک‌میلیون و ۳۵۰ هزار هکتار. در مجموع، این دو منطقه پهنه‌ای وسیع به اندازه دو تا سه استان کشور را تشکیل می‌دهند و زیستگاهی یکپارچه را شکل داده‌اند.

باقری گفت: با وجود اهمیت و گستردگی این زیستگاه‌ها، سال‌هاست که پایش منظم در این مناطق صورت نگرفته و در حال حاضر، تنها ۹ محیط‌بان مسئولیت حفاظت از این عرصه بسیار وسیع را برعهده دارند.